



تائیرحس تعلق داشتن در کودکان/ نقش مذهب در دادن هویت به فرد

دستیابی بچه ها به شجره نامه خانوادگی خود به استحکام حس هویت آنها کمک می کند، زیرا آنها حس می کنند ...

دستیابی بچه ها به شجره نامه خانوادگی خود به استحکام حس هویت آنها کمک می کند، زیرا آنها حس می کنند متصل به زنجیره ای هستند که مدت ها پیش از آنها بوده و شاید تا مدت ها پس از آنها نیز باقی بماند. به گزارش خبرگزاری مهر، هر انسانی در واقع از بدو تولد عضوی از اعضای مجموعه ای به هم پیوسته از گروههای اجتماعی است که با نسبت های خونی شروع می شود و به جامعه، ملت و بزرگترین گروه اجتماعی یعنی خانواده بشری گسترش می یابد.

احساس تعلق به گروهی که برایمان با ارزش است برای سلامت روان ما اهمیت بسیاری دارد. جدایی از انسان های دیگر و تنها ماندن بیش از حد، معمولا با تجربه ای تلخ و نامطلوب همراه است. از سویی دیگر حس خوشبختی و خود آگاهی را می توان با تعلق به گروهی خاص یا شناخت گروههای خاص در خود افزایش داد. احساس بیشتر خانواده ها نسبت به حس تعلق و نیاز به امنیت، از زندگی خانوادگی سرچشمه می گیرد وقتی عضوی از خانواده هستیم یعنی جز گروهی هستیم که اعضای آن نیازهای احساسی اولیه خود را ارضا می کند. تعداد افراد خانواده از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت بوده و گستره ای از خانواده های کوچک در بیشتر جوامع غربی گرفته تا خانواده های بسیار بزرگ در بسیاری از فرهنگ های دیگر را در بر می گیرد.

خانواده

برای بعضی از بچه ها خانواده یعنی فقط مادر، آن هم به عنوان یکی از والدین که با وی در شهری دور از خویشاوند دیگر زندگی می کنند. برای بعضی دیگر، خانواده به معنی زندگی با پدر بزرگ ها، عموها، عمه ها و دایی ها است که همگی با هم در یک خانه به عنوان اعضای خانواده ای پر جمعیت زندگی می کنند. مثل بستگانی که در یک شهر یا در نقاط مختلف یک کشور زندگی می کنند. زمینه فرهنگی یا بزرگی و کوچکی اندازه خانواده هر چه که باشد بیشتر آنها برای ارتباط با خویشاوندان خود ارزش قائلند.

منافع این ارتباط بر هر کسی که دیده است بچه ها چگونه هنگام جمع شدن دیگر اعضای خانواده و فامیل لذت می برند پوشیده نیست. علاوه بر این لذت، شرکت بچه ها در این گونه اجتماعات خانوادگی باعث ایجاد حس داشتن هویت در آنها می شود؛ هویتی که چگونگی ارتباط آنها را با مجموعه افرادی که برایشان ارزش قائلند نشان می دهد و گویای این نکته است که اگر چه آنها سهم کوچکی دارند، ولی بخش مهمی از زندگی همه این افراد هستند.

هویت فرهنگی

تعلق داشتن به فرهنگی ویژه با خصوصیتی منحصر به فرد که منشا آن تاریخی خاص یا آداب و رسوم و افسانه هایی خاص است می تواند بخش مهمی از هویت یک فرد باشد. آداب و رسوم می تواند نشان دهنده ادراک و رفتار افراد بشر در مراحل مهم و بی شماری همچون تولد، ازدواج و مرگ باشد. یادگیری و درک فرهنگ می تواند اثر بسیار مثبتی بر اعتماد به نفس افراد جوان داشته باشد و باعث می شود که آنها حس کنند جایی را در گوشه ای از این دنیای پهناور دارند.

بعضی از افراد جوان، اعضای گروههای اقلیت فرهنگی یا قومی هستند یا خانواده شان از سرزمین های خود کوچیده اند و یا فرهنگ آنها از بین رفته است باید به آنان فرصت داد تا ریشه های خود را کشف کنند و ارزش ها و آداب رسوم والدین و اجدادشان را بیاموزند. هنگامی که آنها در حال رشد هستند، به فرهنگ مسلط در جامعه عادت کرده و علاقه ای به فراگیری میراث فرهنگی اصیل خود نشان نمی دهند. ولی وقتی بزرگتر شده و به سن جوانی می رسند به این مسئله از زاویه ای دیگر می نگرند و نسبت به آن غرور خاصی پیدا می کنند.

پیوستن پسران نوجوان و جوان به گروههای قانون شکن و یاغی مثال جالب توجهی از قدرت گروه و نیاز جوان یا نوجوان به تعلق داشتن است. تعلق داشتن پیش از هر عامل دیگری باعث ایجاد حس آرامش می شود. باند اوباش برای بعضی از پسران جوان که دوران کودکی خود را در محرومیت سپری کرده اند، اولین تجربه آرامش بخش تعلق به یک گروه است؛ گروهی که اعضای آن او را

دوست دارند برایش ارزش قائلند و از او تقدیر می کنند.

مذهب

مذاهب روش هایی را برای درک ماهیت و هستی جهان به ما ارائه می کنند. افرادی که به مذهبی اعتقاد دارند، حس هویت و ارزشمند بودن می کنند. تمام این حس ها برای رشد جنبه های مختلف عزت نفس اهمیت دارند. اگر می خواهیم فرزندانمان عضوی از اعضای فعال مذهبی باشد که به آن اعتقاد داریم و در بزرگسالی هم به آن مذهب معتقد بماند، هرگز سعی نکنیم او را مجبور به شرکت در گروه مذهبی مورد نظر کنیم. لازم است در مورد مسئله عضویت آنها، نخست با خود آنها بحث و گفت و گو کنیم، آنها را به حضور در اماکن مذهبی تشویق کنیم. با رفتار خود مصداق خوبی از اعتقاد مذهبی باشیم و منافع تعلق به آن مذهب را در عمل به او نشان دهیم

اگر ما بزرگسالان مذهب خاصی را همه چیز زندگی خود می دانیم باید قبول کنیم که در واقع خودمان آزادانه آن را انتخاب کرده ایم. اگر بچه ها امکان شرکت در فعالیت های مذهبی را نداشته باشند همچنان که بزرگتر می شوند، یا به خودی خود از شرکت در این گونه مجامع امتناع می کنند و یا تبدیل به اعضای بی فکری می شوند که قادر به تمییز اصول نیستند و در این صورت بعید است که سودی از آن ببرند.

در نتیجه ما باید به قضاوت و بینش فرزندانمان احترام بگذاریم با آنها در مورد اعتقادات مذهبی مان به هر شکلی که هست گفت و گو کنیم و این نکته را که چرا مقید به آن هستیم برایشان توضیح بدهیم و آنها را به شرکت داوطلبانه در مراسم مذهبی دعوت کنیم.

بنابراین حس تعلق به انواع گروه ها اثراتی بسیار نیرومند و عمده بر عزت نفس افراد دارد. خانواده، مدرسه، گروه های مذهبی، ورزشی و فرهنگی همه و همه عامل بالقوه ای برای رشد بچه ها بوده و احساس هویت ارزشمندی و هدفدار بودن را در آنها ایجاد می کنند. وقایعی که در خانواده ها اتفاق می افتد تأثیری بسیار قابل توجه بر پایه و اساس و عزت نفس بچه ها دارد ولی عضویت در گروه های دیگر باعث رشد جنبه هایی دیگر مانند نگرش به خود در آنان می شود. حس تعلق به آنها کمک می کند تا مسائلی از این دست را بهتر درک کنند اینکه که هستند؟ چه کاری را به خوبی می توانند انجام دهند، جایگاهشان در دنیا چیست؟ و تشریح مساعی آنها چگونه می تواند گروه را به اهداف خود برساند؟